تحلیل قصد در هوش پایه‌محور و تفاوت آن با انواع قصد انسانی

به ما نحن فیه برگردیم. در ما نحن فیه، هوش پایه‌محور، یک کاری را با تلفیق رباتیک و هوش و ... انجام می‌دهد. یک رباتی قتل عمدی انجام می‌دهد! قتل عمد؟! شما از کجا می‌خواهی به کار او، در فقه و حقوق، قتل عمد بگویی؟! سؤال ما این بود. عمد کجا بود؟! این‌که ذهن و روح و قصد ندارد؟! این‌ها مبادی‌ای بود که ما به دنبالش بودیم. وقتی عرف آن را می‌بیند، می‌گوید یک رباتی بود که از آموزش ماشینی استفاده کرده و به‌صورت آموزش نظارت‌نشده جلو رفته و الگوریتم‌هایی را کشف کرده با خروجی‌های مطلق، نه با خروجی‌های معین شده؛ به ورودی و خروجی‌ها برچسب نزده‌ای تا آموزش نظارت شده باشد. این یکی از مهم‌ترین بخش‌های هوش مصنوعی است - البته رشته ما نیست و بلد هم نیستیم، ولی از معلومات عمومی است و مطالعه می‌شود - بخش آموزش ماشینی - شعب متعددی پیدا کرده است - همه این‌ها را باید بررسی کنیم و در فقه به آن‌ها جواب بدهیم. شعب آن، آموزش نظارت شده، نظارت نشده، نیمه نظارت شده، آموزش‌های تقویت شده، تجمیع هوش‌ها و اطلاعات. این تجمیع‌ها خیلی مهم است؛ تجمیع‌های صرفاً محض تراکمی، تجمیع‌های ترکیبی. الآن تمام این‌ها، دارد انجام می‌شود.

اگر یادتان باشد توضیح دادم؛ مطلبی که در مباحثه فقه خدمت شما عرض کردم؛ بینی و بین الله من اصلاً این بحث‌های هوش مصنوعی را ندیده بودم؛ در فضای فقه به ذهنم آمده بود و خدمت شما گفتم؛ اغراض و قیم؛ جدیدی قیم برای وصول به اغراض. عین همین فرآیند با طول و تفصیل در هوش مصنوعی دارد انجام می‌شود، به‌خصوص این بخش آموزش ماشینی. یعنی اگر محدوده اغراض مشخص باشد و قشنگ کنترل شده باشد، حامل‌های ارزش معلوم باشند و فرآیند روشنی در جدیدی باشد، این، هوش مصنوعی نظارت‌شده می‌شود که با سیستم خبره هم فرق دارد. در جلسه قبل عرض کردم که سیستم خبره، که صرفاً هوش ضعیفی بود که مبتنی بر اطلاعات داده شده، بود، این یک چیز است که فرق دارد با هوشی که ضعیف نیست؛ هوش پایه‌محور قوی است، اما نظارت‌شده است. بین این‌ها تفاوت‌های ظریفی هست.

مثلاً ما می‌گوییم حتماً باید خروجی بخش، اخلاقی باشد و معقول باشد. آن ماشینی که این‌ها سرش نمی‌شود. خیلی وقت‌ها می‌گویی راه ارائه بده، ولی راه را ارائه می‌دهد که اصلاً معقول نیست. خب راه‌های نظارت‌شده، این‌گونه است که معین می‌کند که خروجی باید به چه صورت باشد. یعنی در فضای اغراض، اغراض ما با برچسب‌های روشن خودش و حامل‌های ارزش و جدیدی‌ها همه روشن است. اگر در این فضا سراغ این برویم که با یک راه نظارت‌نشده، الگوریتم‌هایی را کشف کند که اصلاً خود برنامه‌نویس هم خبر نداشت؛ الگوریتم‌های نظارت‌نشده‌ای باشند؛ الآن در این فضا آمده‌ایم که مقدماتش طی شده، الآن او سرقت مسلحانه کرد با یک راهی که دیگران هم بلد نبودند. این‌جا عمد - عمدی که در فقه می‌گوییم؛ قاصد قتل عمد بود- داری یا ندارید؟! خب نقطه شروعش این است که ندارید. ما که نمی‌توانیم یک چیزی را به فقه ببندیم. در فقه می‌گوییم باید قاصد باشد تا

حکم خدا که قصاص است بیاید. اینجا در ماشین عمد ندارید؛ ذهن که ندارد، چه عمدی است؟! پس هیچی! این یک فرض است.

فرض بعدی که مقدماتش گفته شده بود، این است که قصدی که شارع در حق الجنایه عبد به‌عنوان میزان قرار داده، با قصدی که یک نائب در حج دارد، فرق می‌کند. نائب در حج و نائب در نماز و روزه استیجاری، روح می‌خواهد، جان می‌خواهد، قصد قربت می‌خواهد؛ صبغه الهی و قدسی می‌خواهد؛ لذا یک رباط نمی‌توانند نائب در حج بشود. اما یک عبدی که می‌خواهد قصد کند تا کسی را بکشد -یعنی بگوییم این عبد قصد قتل عمدی داشته- این قصد و عمد در فقه و حقوق، زور آن قصد و عمد در طواف و حج را ندارد؛ می‌بینیم زور آن‌ها را ندارد. در قتل عمد که به قصد قربت نیاز ندارید. چه چیزی می‌خواهیم؟ در قتل عمد، می‌خواهیم هدف را در نظر بگیرد، صحت و سقم آن را بسنجد، منافعش را در نظر بگیرد، راه‌های مختلف را گزینش کند و از گزینش راه‌های مختلف، به هدف برسد. با گزینش و توجه جلو برود. خب همین کار را هوش مصنوعی در هوش پایه‌محور می‌کند. یعنی تمام راه‌های معقول را می‌سنجد، الگوریتم‌ها را موازنه می‌کند، خرج و دخل آن‌ها را حساب می‌کند و به آن می‌رسد. خیلی وقت‌ها بهتر از انسان انجام می‌دهد.

پس سؤال این است: آیا عمدی که در عبد موجود است که به گردن عبد می‌گذاریم که «ایها العبد قتلت عمداً فتعلّق برقبتک حق الجنایه»، آیا این عمد را می‌توان به گردن هوش مصنوعی گذاشت؟! یعنی بگوییم «قتلت عمداً». این را می‌توانیم بگذاریم ای نه؟ یعنی موضوع فقهی، محقق بشود تا بعداً احکام آن را بیاوریم. دیه آن تفاوت می‌کند؛ دیه قتل عمد تفاوت می‌کند. احکام فقهی اینها متفاوت می‌شود.

شاگرد۸: در فرضی که آموزش نظارت‌نشده باشد

استاد: من واضح‌ترین مصداقش را می‌گویم، در غیرش هم همه اینها مطرح است. یعنی همه مصادیق غیر واضح را هم باید بررسی کنیم.

شاگرد۲: قصاص، حکمت‌های متفاوتی دارد، «وَلَكُمۡ فِي ٱلۡقِصَاصِ حَيَوٰةٞ»[1]. مثلاً در رباط، آن را از بین ببریم و ...؟

استاد: اگر کتاب القصاص جواهر را بررسی کردیم، خود همین آیه معناهایی دارد. یعنی «حیاتٌ من حیث النکال»؟ یا «حیاتٌ من حیث عدم الافراط فی القتل»؟! الآن تلقی همه ما از این آیه، حیات در نکال است. و حال آنکه با در نظر داشتن سیاق و بحث‌های تفسیری باید به همه وجوه آن برسیم. اگر به‌خاطر مانعی، قصاص را انجام ندهیم، به دیه منتقل می‌شود. حتی جایی هم که مانع نیست، باز می‌توانند به دیه مراجعه کنند. چون در قصاص، اختیار به دست جانی است. یعنی اگر جانی حاضر شد قصاصش کنند، نمی‌توانند بگویند دیه بده. ولی اگر حاضر شد صلح کنند، دیه صلحی، باز غیر از دیه به خاطر مانع است.

شاگرد۴: نسبت به ساخت چنین رباتی، می‌توانیم یک حکم شرعی داشته باشیم. یعنی چنین رباتی که نظارت‌نشده است، نباید ساخته بشود.

استاد: صحبت همین است. شما می‌خواهید با یک حکم فقهی، جلوی چنین رباتی را بگیرید و حال اینکه مگر فقط کشتن آن مطرح است؟! دکتر لی کان مشغول همین است. شروع پروژه هوش نظارت‌نشده، توسط ایشان بوده است. در فضاهایی شما احساس نیاز عقلائی می‌کنید. چرا؟ چون به یک پتانسیل مهمی در این فضا کار دارید؛ کشف الگوریتم‌هایی که به عقل جن هم نمی‌رسد. خب این با سرعت، آن‌ها را کشف می‌کند، حال شما بگویید شرعاً حرام است؟! شرع اینجور نیست که راه را ببندد. یعنی در حوزه‌هایی به هوش نظارت‌نشده نیازمندیم. مثلاً هوش نظارت‌نشده در

فضای فقه اللغه نیازمندیم؛ یعنی در فقه اللغه قواعدی را استنباط کند که بعداً ببینیم هزاران لغت و جمله به هم مربوط شد. خب اگر نظارتشده میکردیم، اینطور نمیشد. مثل حسن جبل که یک ضیقی زده که تحقیق را متوقف میکند. هر چه شما در فقه اللغه، نظارت اعمال کنید، یعنی دارید تحقیق و پتانسیلی که در هوش مصنوعی هست را تضعیف میکنید. پس ما نمیتوانیم یک حکم کلی فقهی بدهیم و بگوییم وقتی نظارتنشده شد، شارع بگوید حرام است. شارع میگوید همان جا را باید فکر کنید.

شاگرد۴: بهصورت بخشی میتوانیم حکم کنیم؟ یعنی نسبت به امور قبیح، باید نظارت داشته باشد.

استاد: به این، اخلاق هوش مصنوعی میگوییم. یعنی کاری کنیم که در پیشرفت هوش مصنوعی، اخلاق حاکم باشد. این یک فضای دیگری است. پس بهطور کلی نمیتوانیم روش آموزش ماشینی نظارتنشده را حرام کنیم. لذا میگوییم خودش فی حد نفسه مشروع است، بعداً باید ببینیم کجا دارد بهکار میرود.

والحمد لله رب العالمین

---

[1] البقره ۱۷۹

بازبینی #2
ایجاد شده 23 اوت 2025 15:43:29 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 اکتبر 2025 12:38:44 توسط ... .